



۲۰۱۸/۱۱/۰۷

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

در مرگ پدر معنوی طالبان!



اگر چه خُرسندی و مسرت در مرگ انسانی، از عاطفه بشری دور است، اما بعضی اوقات اعمال یک فرد شریر و آزار دهنده و شیطان صفت، چنان بر عاطفه و احساس انسان اثر تلخ می گذارد که مرگش مایه شادی، جشن و پایکوبی کسانی می شود که آزار و اذیت او را کشیده اند و از او دل پر خون دارند.

«سمیع الحق» پدر معنوی طالبان که در لباس زُهد و تقوا، وظیفه شیطان را در ملک ما، ذریعه پیروان جاهل خود پیش می برد و بار ها فتوا های احمقانه برای جهاد در افغانستان داده بود بالاخره به جزای اعمال خود رسید و در اثر اعمال شنیع، توسط کسی و یا کسانی کشته شد.

*** **

درد دلی ست به همین مناسبت که از نظر تان می گذرد.

پدر بود دوزخی، پُشت پدر رفت
ازین دنیا به دنیای دگر رفت
ازین گوش آمد از گوش دگر رفت
به جاسوسی همه عمرش هدر رفت
فرو شد در ضلالت تا کمر، رفت
سقر در انتظارش بود، در رفت
در آخر کشته شد با شور و شر، رفت

«سمیع الحق»، شنیدم در سقر رفت
در آخر این سیه روی سیه دل
ز روحانیتِ «؟» او قصه بسیار
ردای زُهد بر تن داشت، اما
به پیش پای «آی. اس. آی.» سر ماند
به زعم خود بهشتی بود، لیکن
به فتوا های ناحق کشت ما را

جزای هر عمل حقست، اینجا گرفت آخر ز کشت خود ثمر، رفت
سرای آمد و رفت است این دهر ولی خوش آنکه با نیکی پدر رفت
ز طالب دستگیری ها همی کرد خوشا کاین فتنه پایان یافت و سررفت
«اسیر» آواز مرگش با مسرت
بهر خانه، بهر کوی و گذر رفت

م. نسیم «اسیر» ۴ نومبر ۲۰۱۸م، فرانکفورت

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نوشته ها و مطالب دیگر این نویسنده را هم مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



در مرگ پدر معنوی طالبان!

[Assir_n_darmarg_padar_manawi_taalebbaan.pdf](#)